

## ماجرای جمله رهبری به شهید طهرانی مقدم

مجموعه مستند «به شهادت تاریخ» روایتی متفاوت از شکل‌گیری و پیشرفت نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است و پیشرفت‌ها، افتخارات و حوادث حساس انقلاب اسلامی را در قالب تصاویر مستند به تصویر می‌کشد. مجید اسکندری، مدیر طرح این مجموعه مستند درباره انتخاب ایده آن توضیح داد: وقتی ایده ساخت این مستند در ذهن ما شکل گرفت، قصد داشتیم مقایسه‌ای بین دوره پهلوی و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در

سه حوزه نظامی، اقتصادی و امنیت ارضی داشته باشیم و ابعاد مختلف آن را مورد بررسی قرار دهیم. وی ادامه داد: تمرکز اصلی ما در این مجموعه به سمت حوزه نظامی بود و سعی کردیم همه زیرشاخه‌های توان نظامی ایران را در این دو دوره مورد بررسی قرار دهیم. با این حال بررسی توان موشکی ایران حرف اصلی را می‌زد. مدیر پروژه ساخت مستند به شهادت تاریخ، افزود: امام خمینی (ره) دستور می‌دهند کارای در این زمینه صورت بگیرد



و شهید طهرانی مقدم، نخستین گام را در این زمینه برمی‌دارد. او همراه تیمی ۱۲ نفره برای دیدن یک دوره آموزشی رشته موشک به سوریه می‌رود. از سوی دیگر، تعدادی موشک از لیبی خریداری و مقرر می‌شود مستشاران نظامی لیبیایی برای آموزش آنها به ایران بیایند اما معمر قذافی در پشت پرده با صدام تصمیم می‌گیرند در میانه کار، آموزش را ترک کرده و مستشاران آنها از ایران برگردند. همین موضوع چالش بزرگی را برای ما ایجاد می‌کند.

زارش می‌دهد

# نگرد

ویژه این قهرمان ارتباط برقرار کنم. در این میان نامی هم از امیر وزیری می‌برم که یکی از نوادگان سنجرخان است و او هم ارادتی خاص به جد خود داشت، کتابی هم در معرفی ابعاد مختلف شخصیتی و منش این قهرمان در دست چاپ داشت و کارهای تحقیقی دیگری هم در این ارتباط انجام داده بود که با مهربانی تمام این منابع را در اختیار من قرار داد. البته من در کل به دنبال این بودم که بیشتر از اطلاعات درج شده در این منابع، درباره سنجرخان بدانم، بنابراین به دنبال گفت‌وگو با تمام کسانی بودم که به نوعی با این مرد بزرگ پیوند خونی داشته یا از دور و نزدیک از ایشان نکته‌هایی شنیده‌اند و ممکن بود بتوانند برای من راهگشا باشد. گویلی می‌گوید:

از طرفی رشته تحصیلی من بازیگری است و این حرفه را آکادمیک آموختم‌ام، شناختی که درباره چگونگی درک و دریافت، و نیز پرورش و آفرینش نقش داشتم به کمک من آمد و زمینه را برایم هموار کرد. به خصوص این‌که شخصیت مورد بحث یک قهرمان ملی بود که باید در کنار استناد به منابع، خلاقیت خودم را به عنوان یک بازیگر وارد می‌کردم. درواقع یک بخش، مستند بودن کاراکتر که مطالعه منابع و تحقیقات میدانی را طلب می‌کرد و بخش دیگر، خلاقیت من به عنوان بازیگر بود که باید سنجرخان را باورپذیر بازی می‌کردم. ماحصل این دو بخش، به جایی ختم شد که کاراکتر از آن جان گرفت و بیرون می‌آمد. نکته دیگر این‌که من به مسأله اصالت نقش و اصالت بازیگر آگاه بودم و می‌دانستم که در این پروژه باید سراغ اصالت نقش بروم و البته در عین حال دنیای خودم را هم به عنوان یک بازیگر داشتم و در خلق شخصیت دخالت دادم. وی در خصوص استفاده از سال‌ها تجربه‌اش در تئاتر برای بهتر بازی کردن در نقش سنجرخان عنوان می‌کند: قطعاً فعالیت تئاتر، خیلی به کمک من آمد. من سال‌های زیادی کار تئاتر کردم و البته در این مدیوم، وقتی نقشی به بازیگر محول می‌شود، به سبب این‌که زمان تمرین طولانی است، او فرصت بیشتری جهت کار روی نقش و رسیدن به لایه‌های مختلف شخصیت در اختیار دارد؛ هم درحوزه جسمانی و هم در ابعاد درونی. به‌طور قطع چنین مجالی در تلویزیون و سینما وجود ندارد اما یک شیوه یاتکنیک خاص بازیگری که

### توجه به زمینه‌های قهرمان‌سازی

این بازیگر درباره لزوم پرداختن به قهرمانان ملی هم این‌طور بیان می‌کند: پرداختن به شخصیت قهرمانان ملی، ضرورتی انکارناپذیر است که در تمام دنیا به آن توجه می‌شود. وقتی یک قهرمان کاری انجام داده که یک نگاه ملی را شکل می‌دهد و به خود معطوف می‌کند - حرکتی که همه می‌پسندند و به آن احترام می‌گذارند - طبیعتاً به این احساس هم منجر می‌شود که او را دوست داشته باشند. یعنی در هر حال برای کسانی که نام و آوازه‌اش را شنیده‌اند محبوب است، چه به تصویر کشیده شود چه نه! اما زمانی که از قاب گسترده تلویزیون چنین قهرمانی نشان می‌دهیم، درواقع زمینه‌ای فراهم کرده‌ایم که افراد بیشتری او را بشناسند. نه این‌که او را فقط بشناسند، بلکه با روحيات او، خلفیاتش و شرایطی که در آن زندگی می‌کرده و در نهایت با آنچه زمینه‌ساز تبدیل او به یک قهرمان بوده آشنا شوند. این مسأله روی همه ما تأثیر می‌گذارد تا آنجا که ممکن است هریک آرزو کنیم کاش جای او می‌بودیم و تا این اندازه محبوب! و از طرفی پردلی و همت این قهرمانان و عرفی که به خاک و سرزمین داشته‌اند می‌تواند چنین



### روحانی سنی

جلیل فرجاد از بازیگران توانمند تلویزیون است که در سریال سنجرخان نقش شریعتمدار، یکی از روحانیون سنی منطقه را ایفا می‌کند. فرجاد پیش از این در مجموعه‌هایی مثل روزهای ابدی، برادرچان، بی‌مکان، ملکوت و عملیات ۱۲۵ به نقش آفرینی پرداخته بود. او تاکنون در فیلم و سریال‌های مختلفی بازی کرده که در حوزه تاریخ، بیشتر می‌توان نام او را در کارهای تاریخ معاصر دید.



### این بار هم خان

محمود پاک‌نیت که تاکنون نقش خان‌های مختلفی را ایفا کرده، در سریال سنجرخان هم نقش حاکم سندج را ایفا می‌کند که توسط حکومت قاجار منصوب شده است. او حاکمی ظالم و بی‌برحم است که گاهی با عنوان شریف قصاب از او یاد می‌کردند. شمشیرش را از رو می‌بندد و مقابل مردم می‌ایستد. این حاکم مقابل مردم و سنجرخان می‌ایستد. او پیش از این در مجموعه‌هایی مثل گیلخت، پس از باران و آتش و یاد، نقش خان را بازی کرده بود. او با وجود تکرار نقش خان، هر بار تلاش کرده از زاویه تازه‌ای به نقش‌های این چنینی بپردازد. البته کاراکترهای دیگر مثل بازی در نقش یعقوب پیامبر در سریال یوسف را هم باید از جمله کارهای شاخص این بازیگر توانمند دانست.



ویژگی‌هایی را در مخاطبان نیز بیدار کند. از این منظر است که با تأکید می‌گوییم پرداختن به چنین اشخاص شایسته و منحصربه‌فردی ضرورت دارد. درواقع مثل یک میراث ملی و فرهنگی است. هیچ‌کدام از ما دوست نداریم چنین میراثی گمنام باقی بماند، بلکه می‌خواهیم ضمن حفظ و پاسداشت، به آن افتخار هم بکنیم. همان‌طور که به قهرمانان شاهنامه افتخار می‌کنیم و از آنها درس می‌گیریم. گویلی درباره فراهم‌بودن شرایط برای نمایش شخصیت‌های قهرمان کردستان عنوان می‌کند: به نظرم این بستر بیش از پیش باید فراهم شود. نه‌تنها برای قهرمانان ملی، بلکه برای تمام اقوام ایرانی، تا بیشتر قهرمانان را بشناسیم. خود سریال سنجرخان جدای از معرفی این کاراکتر، بستری است که به خود می‌تواند مردم را با فرهنگ کردستان آشنا کند و حقیقتاً نمایشگاهی ارزشمند از فرهنگ غنی کردی است، چراکه در این اثر جدای از این‌که به جنگ‌ها و حماسه‌آفرینی‌های سنجرخان اشاره کرده، به شخصیت خود او، طبع بلند، انسانیت و مهربانی‌اش نسبت به رعیت و زندگی آنها هم پرداخته است. سنجرخان کی بود که با خاندان خودش در افتاد تا شاید اندکی از رنج مردم بکاهد. خانواده خودش از او انتظار داشتند مثل یک خان زندگی کند و رعیت بینو را به حال خود بگذارد اما او نمی‌توانست چنین باشد، تا آنجا که در دوران قطعی، قفل انبساط آذوقه حاکم وقت و دیگر خوانین را درهم می‌شکند و هرچه را که آنها احتکار کرده‌اند میان مردم تقسیم می‌کند، بی‌آن‌که به منفور شدن بیش از پیش خود در چشم و دل آنها کمترین اهمیتی بدهد.

در دورانی هم که بیگانگان متجاوز روس و انگلیس وارد منطقه می‌شوند، باز هم در حفظ شرافت مردم و پاسداری از خاک و سرزمین وارد مبارزه می‌شود و دلیرانه و با شجاعت تمام با همراهی همان مردمی که بزرگ‌منشی او را می‌شناسند و جان برکف در رکابش قرار می‌گیرند، اشغالگران را بیرون می‌رانند. در نهایت باید بگوییم سریال سنجرخان جدا از بخش حماسی، به واسطه پرداختن به زندگی خود این قهرمان به عنوان یک انسان شریف، قصای جذاب دارد و در عین حال، مجموعه کاملی از آداب و رسوم منطقه کردنشین است که فکر می‌کنم برای مخاطب بسیار مقبول خواهد بود.

### مکت

### بازیگری در کنار نظارت کیفی

یکی از نکاتی که در مورد سریال سنجرخان وجود دارد و آن را به لحاظ کیفی ارتقا داده، حضور مشاوری مثل قطب‌الدین صادقی است. او کارنامه بلندبالایی در حوزه کارگردانی، نویسندگی و بازیگری دارد و در سنجرخان علاوه بر بازی در نقش سردار رشید، به عنوان ناظر کیفی قصه هم حضور دارد. او پیش از این درباره سریال سنجرخان به جام‌جم گفته بود: سردار رشید آخرین سردار بزرگ از دودمان اردلان است که دو بار حتی قبل از سنجرخان، روس‌ها را شکست داد و یک سال هم در کردستان حاکم بود. در ادامه او را فریب می‌دهند و شریف‌الدوله به دنبال ترغند دولت مرکزی که می‌خواست همه مقتدران مناطق مختلف ایران را دستگیر و قتل‌عام کند، او را هم فریب دادند و قتل‌دگه تو قرا است بعد از من حاکم کردستان شوی.



بعد هم کلی برای او مراسم برگزار می‌کنند و خلعت و شمشیر می‌دهند تا فردا صبح زود که او را بیهوش شده در رختخوابش دستگیر می‌کنند و به تهران می‌فرستند. ما تا اینجای کار را می‌بینیم، برای این‌که یک سال بعد از از زندان قرار می‌کند و باز هم مبارزه را شروع می‌کند. آخرین بار هم که او را می‌گیرند، خودش با پای خودش به تهران می‌رود و بعد تا سال ۱۳۴۲ تحت‌الحفظ آزاد می‌شود. او آدم بسیار بزرگی است که نقشه‌های دور و درازی دارد و دارای شخص نژادی و شخصیتی است. بسیاری از دیالوگ‌های این شخصیت را خودم نوشتم چون سناریویی که هم آقای زنده‌یاد در ی و هم شخصی که بعد از ایشان آمدند و نوشتند، به شکلی بود که نشان می‌داد جزئیات شخصیتی و تاریخی او را به اندازه من نمی‌شناسند چرا که شخصیت مبارز و انسانی او خیلی جالب و گسترده بود. البته همه این تغییرات و مواردی که قرار بود به کار اضافه شود را اول برای آقای لطیفی می‌خواندم و اگر ایشان موافقت می‌کرد، آن را به کار اضافه می‌کردم. وی گفته بود: من در خیلی از بخش‌های سناریو، اعمال نفوذ و چون اشتباه تاریخی داشت آنها را تصحیح کردم. همچنین از آنجا که آقای لطیفی هم در جریان اطلاعاتی که در این فضا داشتم، بود، هر پیشنهادی را که داشتم می‌پذیرفت. من حتی بازیگر عوض کردم و در همه بخش‌ها حواسم به این بود که اشتباهی رخ ندهد، ماجربایی برعکس یا با خطا تعریف نشود، جایی ناخواسته به گردها و اعتقادات‌شان توهینی نشود و موارد دیگری که جزو کار ناظر کیفی است. در واقع من ناظر مسئولیت روایت صحیح این ماجرا بودم و اگر اشتباهی رخ می‌داد، همان موقع می‌خواندم و جلوش را می‌گرفتم، از دکور و صحنه گرفته تا لباس. در حین این کار هم مثلاً بارها لباس بازیگران را تغییر دادم، چون اطلاعات کافی درباره آن شخصیت و بخش‌هایی از کار وجود نداشت. اصلاً به همین دلیل با حکم تلویزیون و به تقاضای استاندار کرمانشاه قرار شد سر این کار به‌عنوان ناظر کیفی حضور داشته باشم تا موضوعات دکور، شخصیت‌سازی، صداقت در روایت، حفظ حرمت‌ها، این‌ها، مراسم و... به‌درستی اتفاق بیفتد.

### رضاخان با بازی نعیمی

حمیدرضا نعیمی را بیشتر به کارگردانی و بازی در تئاتر می‌شناسند که در سال‌های اخیر با نقش آفرینی در مجموعه‌های تلویزیونی، نامش را به میان هنرمندان این حوزه هم کشاند. او در مجموعه سنجرخان نقش رضاخان را ایفا می‌کند که با توجه به جدیتی که در نقش‌هایش دارد، به نظر می‌رسد یک نقش خاص و متفاوت را به نمایش بگذارد.



## قاب‌هایی از کردستان

سریال سنجرخان با توجه به پرداختی که به شخصیت یک قهرمان کرد دارد، قاب‌های ماندگاری را از کردستان به نمایش گذاشته است. آن‌طور که تهیه‌کننده این مجموعه گفته، لوکیشن‌های متعددی از این سریال در کردستان قرار داشته است.

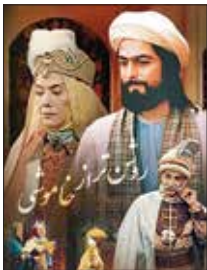


کیورد: اسکن کنید



## ملاصدرایی از دل تاریکی

سریال روشن‌تر از خاموشی با پرداختن به زندگی ملاصدرا، شخصیت ایرانی شناخته شده، توانست مخاطبان بسیاری را به خود جذب کند. این مجموعه روایت صدرالدین محمد قوام شیرازی متخلص به ملاصدرا، در راه کسب علم و دانش بود. این فیلسوف برجسته که روحی تشنه و مشتاق یادگیری داشت، در محضر دانشمندان و عالمان بزرگ اسلامی چون شیخ بهایی و میرداماد و میرفندرسکی درس می‌آموخت. در قعه این سریال آمده‌است: در زمانی که شاه‌عباس اول صفوی به‌تازگی با حمایت سران قزلباش و کودتا علیه پدر به سلطنت رسیده و هنوز قدرت و موقعیت تثبیت شده‌ای ندارد، کشور از لحاظ سیاسی و اجتماعی در شرایطی نابسامان قرار گرفته و علاوه بر تهدیدات و دست‌اندازی مستعمران به خاک ایران، عده‌ای نیز در داخل داعیه حکومت دارند. حسن فتحی کارگردانی این مجموعه را به عهده داشت. ملاصدرا در کنار سروردی و ابن‌سینا سه فیلسوف بزرگ جهان اسلام هستند. اهمیت پرداختن به شخصیت ملاصدرا در این است که وی توانست میان فلسفه این دو شخصیت فلسفی پیوندی برقرار کند و در نهایت نیز موفق به ایجاد مکتبی فلسفی با نام «حکمت متعالیه» شد. این مکتب آخرین مکتب فلسفی مهم در جهان اسلام است که امام خمینی (ره) و مرحوم علامه طباطبایی نیز از پیروان آن بوده‌اند.



## «بوعلی سینا»

ابوعلی سینا برای همه ایرانی‌ها یک افتخار است. این شخصیت در مجموعه «بوعلی سینا» به نمایش درآمده بود تا یکی دیگر از مفاخر و نامداران ایرانی به تصویر کشیده شود. بوعلی سینا محصور سال ۱۳۶۴ و با کارگردانی کیهان رهگذر بود که توانست مخاطبان بسیاری را به سمت خود جلب کند. ازجمله بازیگران این مجموعه می‌توان به مرحوم امین تارخ، فیروز بیجت‌حممدی، جمشید لایق، اسماعیل محرابی، چنگیز وثوقی و سرور نجات‌الهی اشاره کرد. مجموعه بوعلی سینا دومین سریال تاریخی بعد از انقلاب پس از «سرداران» بود که تقریباً با همان تیم ساخته شد و رهگذر ۳۶ ساله، فارغ‌التحصیل تئاتر دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران که مدتی قبل از این سریال، فیلمنامه «سفیر» را نوشته بود، دست به کار شد تا علاوه بر نویسندگی فیلمنامه، برای اولین و آخرین بار، کارگردانی یک اثر تلویزیونی را هم در دست بگیرد. گفته می‌شود که مجموعه بوعلی سینا حتی برای غربی‌ها هم جالب بود.

